

کرامات امام کاظم (ع) (بررسی موردی کرامت حرکت درخت به دستور امام)

فاطمه کرمی

منابع، معجزات متعددی از امام کاظم (ع) گزارش کرده‌اند که تعداد آن به بیش از ۲۶ عنوان می‌رسد آگاهی از غیب، آگاهی از باطن افراد، خبر دادن از زمان مرگ افراد، آشنایی امام با زبان‌های مختلف، آشنایی با زبان حیوانات، زنده کردن حیوانات مرده، حرکت درخت به دستور امام و ... از جمله این کرامات است. محمد بن حسن صفار (م. ۲۹۰) در کتاب بصائرالدرجات و به نقل از استاد خویش ابراهیم بن اسحاق، معجزه حرکت درخت به دستور امام را برای اولین بار نقل کرده است.

این نوشتار، ابتدا به بررسی پیشینه معجزه حرکت درخت در زندگی پیامبران و دیگر امامان می‌پردازد. سپس در ادامه با بررسی سلسله سند و محتوای روایت و پی‌گیری سیر تطور آن در منابع تدوین شده پس از بصائرالدرجات، ضمن نشان دادن افزودگی‌ها، کاستی‌ها و تناقضات پیش آمده، وجوه و احتمالات مربوط به این تغییرات را بر می‌شمارد. همچنین با رسم نمودار، میزان تأثیر و تأثر منابع از یک‌دیگر را در نقل این روایت روشن می‌سازد و در نهایت به نقد و ارزیابی این روایت می‌پردازد.

واژگان کلیدی: امام موسی کاظم (ع)، کرامت، حرکت درخت.

ص: ۵۲۹

از آنجایی که بسیاری از روایات در منابع، سیر مشابهی را طی می‌کنند، با بررسی سیر تطور و تحول یک روایت در منابع، تا حدودی به سیر تطور روایات دیگر در منابع می‌توان پی برد هم‌چنین میزان و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها را بر یک‌دیگر مشاهده نمود. در این مقاله، به سیر تطور روایت معجزه حرکت درخت توسط امام کاظم (ع) در منابع اشاره می‌کنیم. هم‌چنین به این موضوع می‌پردازیم که این روایت نخستین بار توسط چه کسی و در کدام منبع وارد شده است؟ نحوه تأثیر و تأثر منابع از یک‌دیگر به چه صورت بوده است؟ آیا منابع متأخر، از منابع متقدم متأثر بوده‌اند یا نه؟ و اگر تأثیر داشته‌اند، این تأثیر و تأثر در چه حدی بوده است؟ آیا در نقل این روایت تضاد و تناقضاتی مشاهده می‌شود یا خیر؟

معجزه حرکت درخت فقط به امام کاظم (ع) اختصاص ندارد، بلکه در مورد حضرت موسی (ع) و پیامبر گرامی اسلام (ص) و امام علی و امام باقر (ع) نیز این معجزه وارد شده است:

۱. در مورد حضرت موسی (ع) زمانی این معجزه صورت گرفت که با همسر خود به سمت بیت المقدس می‌رفتند و در شب تاریک راه خود را گم کردند. از دور آتشی دیدند. هنگامی که حضرت موسی (ع) به طرف آتش رفت، این معجزه برای ایشان اتفاق افتاد. در قرآن در سوره طه آیه ۱۰ نیز به این موضوع اشاره شده است:

(إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَىٰ النَّارِ هُدًى).

۲. در مورد پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز بارها این معجزه صورت گرفته است.

مهم‌ترین روایت در این زمینه، روایتی است که حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه آورده‌اند. جماعتی از قریش نزد پیامبر (ص) آمدند و از ایشان خواستند که درخت را بخواند تا نزد آن حضرت آید و این معجزه صورت گرفت، اما آن‌ها همچنان بر کفر و عناد خود لجاجت ورزیدند و ایمان نیاوردند. ۱. علاوه بر این، در منابع وارد شده که پیامبر گرامی اسلام (ص) برای هدایت افرادی از قبیل حارث بن کلهده، ۲. رکانه ۳ و یک اعرابی، ۴ از این معجزه استفاده کردند. هم‌چنین زمانی که حضرت ابوطالب از ایشان درخواست معجزه کرد، پیامبر اکرم (ص) معجزه حرکت درخت را به او نشان دادند. ۵.

۳. در مورد حضرت علی (ع) نیز این کرامت وارد شده است. هنگامی که ایشان از جنگ صفین بر می‌گشتند، این کرامت به دست آن حضرت صورت گرفت. ۶.

۴. در مورد امام باقر (ع) نیز دو بار این کرامت صورت گرفته است: یک‌بار زمانی که عبادین کثیر از آن حضرت در مورد حق مؤمن موحد بر خدا سؤال کرد، حضرت فرمود: «حق مؤمن بر خدا این است که اگر به این درخت بگویند به این‌جا بیا، بیاید.» عباد می‌گویند: «به خدا قسم دیدم که درخت خرما از جای خود حرکت کرد که بیاید، اما امام اشاره کردند و فرمودند بر جای خود بمان.» ۷ بار دیگر هنگامی که زید بن حسن با امام باقر (ع) مجادله می‌کرد امام این کرامت را به او نشان دادند تا از خصومت خود دست بردارد. ۸.

ائمه اطهار (ع) برای اثبات حقانیت خود و هدایت افراد، به صورت محدود کراماتی را به آن‌ها نشان می‌دادند. امام کاظم (ع) نیز دارای کراماتی بودند که حرکت درخت به دستور ایشان یکی از آن‌ها به شمار می‌آید. در ادامه، به نقد و بررسی روایات مربوط به این کرامت می‌پردازیم.

۱. نهج البلاغه، خطبه قاصعه (۱۹۲).

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۴۸۸.

۳. ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۹۱.

۴. مجلسی، همان، ص ۵۳۶.

۵. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۹.

۶. حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۲، ص ۵۱۲.

۷. قطب‌الدین، راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۷۲.

۸. مجلسی، جلاء العیون، ص ۸۵۸.

علی بن ابراهیم از پدرش و او از رافعی روایت می کند که وی گفت: من پسرعمویی به نام حسن بن عبدالله داشتم که بسیار زاهد بود. او روزی وارد مسجد شد در حالی که امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) نیز تشریف داشتند. امام به او فرمودند: «برو معرفت کسب کن.» او سؤال کرد: «از چه کسی؟» فرمودند: «از انس بن مالک و فقهای مدینه.» او هر روز نزد امام می آمد و آن احادیثی را که یاد گرفته بود به امام عرضه می کرد ولی امام همه آنها را رد می کردند. تا این که او در یکی از روزها به امام عرض کرد: «من در پیشگاه خداوند بر شما احتجاج می کنم بنابراین به من معرفت بیاموزید.»

حضرت گزارش حال امیرمؤمنان (ع) و آنچه بعد از رسول خدا (ص) واقع شده بود و هم چنین گزارش کار ابوبکر و عمر را به او دادند و او قبول کرد؛ سپس گفت: «بعد از امیرالمؤمنین چه کسی امام است؟» فرمودند: «حسن و حسین» تا رسید به خودشان؛ سپس سکوت کردند. پرسید: «امروز چه کسی است؟» فرمودند: «من.» گفت: «آیا دلیلی هم دارید؟» امام به درخت اشاره کردند؛ درخت حرکت کرد و مقابل امام ایستاد. او به امامت حضرت اقرار کرد و قبل از آن خواب های خوبی می دید که دیگر قطع شد. او در خواب به پدر ایشان امام صادق (ع) شکایت می کرد. امام فرمودند: «هنگامی که ایمان مؤمن راسخ شود، خواب از او رفع می شود.»^۹

ص: ۵۳۲

۱. بصائرالدرجات

روایت معجزه حرکت درخت به دستور امام کاظم (ع)، اولین بار در کتاب بصائرالدرجات محمدبن حسن صفار (م. ۲۹۰) آمده است. او از یاران امام حسن عسکری (ع) و از بزرگان قرن سوم هجری بود و ابراهیم بن اسحاق و علی بن ابراهیم (هر دو از اصحاب امام هادی (ع)) از اساتید ایشان بودند. صفار این روایت را از استاد خود ابراهیم بن اسحاق و ابراهیم هم از محمدبن فلان رافعی نقل کرده است.

۲. اصول کافی

دومین منبعی که این روایت در آن وارد شده، اصول کافی از محمدبن یعقوب کلینی (م. ۳۲۹) است. کلینی از بزرگان شیعه در زمان غیبت صغرا بود که در نیمه دوم قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم، از بزرگ ترین محدثان شیعه به شمار می رفت. او از شاگردان محمدبن حسن صفار بود. کلینی این روایت را مشابه بصائرالدرجات آورده است فقط در موارد ذیل با نقل صفار اختلاف دارند:

الف) انس بن مالک را حذف کرده است؛

ب) به جای ابوبکر و عمر، تعبیر «امر رجلین» آورده است؛

ج) قسمت آخر روایت (قطع شدن خواب) نیز حذف شده است. ۱۰

۳. ارشاد

۹. محمدبن حسن، صفار، بصائرالدرجات، ص ۲۵۵.

۱۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

شیخ مفید این روایت را از جعفر بن محمد بن قولویه از کلینی نقل کرده است.

ص: ۵۳۳

جعفر (م. ۳۶۷) از شاگردان کلینی و از اساتید شیخ مفید بود. شیخ مفید این روایت را با اندکی تغییر، مشابه کلینی آورده است:

الف) «رجلین» را حذف کرده است؛

ب) بعد از نام امام حسن و امام حسین (ع) نام ائمه بعدی را نیز آورده و به نام آنان تصریح کرده است. ۱۱

روایت شیخ مفید ضمن حذف، دچار توسعه نیز شده است.

۴. تقریب المعارف

تقریب المعارف، نوشته حلبی (م. ۴۴۷) است. وی فقط به این کرامت اشاره نموده و به سند روایت و به منابع اشاره نکرده است. بنابراین به صورت دقیق، نمی‌توان دریافت که منبع حلبی چه کتابی بوده است؟ ۱۲

۵. روضه الواعظین

روضه الواعظین نوشته فتال نیشابوری (م. ۵۰۸) است. او سند را حذف کرده و گفته: «حسن بن عبدالله گفت»، در حالی که در منابع دیگر، راوی محمد بن فلان رافعی بود که می‌گفت: «من پسر عمویی به نام حسن بن عبدالله داشتم». روایت را نیز به صورت بسیار خلاصه آورده است. به نظر می‌رسد فتال، این روایت را از ارشاد و کافی نقل کرده باشد؛ زیرا این دو کتاب از جمله منابع روضه الواعظین است. ۱۳

۶. اعلام‌الوری

اعلام‌الوری نوشته فضل بن حسین طبرسی (م. ۵۴۸) است. وی این روایت را از

ص: ۵۳۴

شیخ مفید نقل کرده، زیرا روایت را کاملاً مشابه شیخ مفید آورده است. ۱۴

۷. الخرائج و الجرائح

۱۱. ارشاد، ج ۲، ص ۲۲۳.

۱۲. ابوالصلاح، حلبی، تقریب‌المعارف، ص ۱۷۶.

۱۳. نک: ج ۱، ص ۴۸۳.

۱۴. نک: ج ۲، ص ۱۹.

این کتاب، نوشته قطب‌الدین راوندی (م. ۵۷۳) است. او از شاگردان طبرسی است. وی فقط نفر آخر سند را نام برده و گفته: «ما روی عن الرافی». کتاب‌های کافی و بصائرالدرجات، جزء منابع نویسندگان است. با توجه به این‌که راوندی این روایت را مشابه کافی آورده، اما قسمت پایانی روایت را از بصائرالدرجات نقل کرده، متوجه می‌شویم که ایشان از هر دو منبع استفاده کرده است. ۱۵.

۸. مناقب

مناقب نوشته ابن‌شهر آشوب (م. ۵۸۸) است. وی از شاگردان طبرسی، راوندی و فتال نیشابوری است. به نظر می‌رسد ابن‌شهر آشوب این روایت را از اساتید خود و با کمی تفاوت آورده است. مثلاً به جای انس بن مالک، «عن مالک» آورده است ۱۶ و این به جهت تصحیح خطایی بوده که در اصل روایت وجود داشته است؛ زیرا انس هم‌عصر امام کاظم (ع) نبوده، بلکه از صحابه رسول خدا (ص) به شمار می‌آید.

۹. الثاقب فی المناقب

الثاقب فی المناقب نوشته ابن حمزه طوسی (م. قرن ششم) است. ۱۷ این کتاب، شباهت زیادی به کتاب معاصرش الخرائج دارد. با توجه به این‌که ابن حمزه این

ص: ۵۳۵

روایت را مشابه بصائرالدرجات آورده، می‌توان پی برد که ایشان از این منبع استفاده کرده؛ زیرا بصائر جزء منابع الخرائج هم بود. ابن حمزه این روایت را مشابه بصائرالدرجات آورده اما با کمی اختلاف؛ برای مثال، به جای انس بن مالک گفته مالک بن انس. و به جای امر ابی بکر و عمر، گفته «امر غیره». ۱۸

۱۰. کشف الغمه

کشف الغمه نوشته علی بن عیسیٰ اربلی (م. ۶۹۲) است. با توجه به این‌که وی از ارشاد و إعلام‌الوری استفاده نموده و این روایت را کاملاً مشابه آن‌ها آورده، درمی‌یابیم که از این منابع نقل کرده است. ۱۹

۱۱. الدرالنظیم

الدرالنظیم نوشته شامی (م. قرن هفتم) است. از آنجایی که روایت الدرالنظیم کاملاً شبیه الخرائج است، احتمال دارد که از این منبع استفاده کرده باشد. ۲۰

۱۵. نک: ج ۲، ص ۶۵۰.

۱۶. نک: المناقب، ج ۴، ص ۲۸۷.

۱۷. نک: الثاقب فی المناقب، ص ۴۵۵.

۱۸. همان.

۱۹. نک: ج ۲، ص ۷۵۳.

۱۲. مناقب طاهرين

مناقب طاهرين نوشته عماد طبري (م. قرن هفتم) است. ۲۱ به دليل شباهت زياد اين كتاب با التاقب، گفته شده ترجمه كتاب التاقب در اين اثر آمده است. ۲۲ طبري سلسله سند را نياورده و گفته حسين بن عبدالله بن عمر رافعي زاهد بود، در حالي كه در منابع ديگر، گفته شده حسن بن عبدالله زاهد بود.

ص: ۵۳۶

۱۳. صراطالمستقيم

صراطالمستقيم نوشته بياضي (م. ۸۷۷) است. ۲۳ از آن جايي كه وي از ارشاد و الخرائج استفاده کرده، ۲۴ احتمال مي رود كه او اين روايت را از اين منابع نقل کرده باشد. بياضي هم سلسله سند را نياورده است.

۱۴. اثبات الهداه

اثبات الهداه از شيخ حر عاملي (م ۱۱۰۴) است. از آن جايي كه ايشان از كافي استفاده کرده و اين روايت را مشابه آن آورده، متوجه مي شويم كه ايشان از اين منبع استفاده کرده است. ۲۵

۱۵. مدينه المعاجز

مدينه المعاجز نوشته بحراني (م. ۱۱۰۷) است. وي سلسله سند را به اين صورت آورده است: «محمد بن يعقوب، عن علي بن ابراهيم.» هم چنين با توجه به اين كه اين روايت را كاملاً مشابه كافي آورده روشن است كه اين روايت را از كافي نقل کرده است. ۲۶

۱۶. بحار الانوار

بحار الانوار از آثار علامه مجلسي (م. ۱۱۱۰) است. ايشان تصريح کرده اند كه اين روايت را از بصائر الدرجات آورده اند. ۲۷

۲۰. نك: ص ۶۶۵.

۲۱. نك: مناقب طاهرين، ج ۲، ص ۷۳۸.

۲۲. همان، ج ۱، ص ۹.

۲۳. بياضي، علي، الصراط المستقيم، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲۴. همان، ج ۱، ص ۴-۵.

۲۵. نك: ج ۴، ص ۲۳۵.

۲۶. نك: ج ۶، ص ۲۹۵.

ص: ۵۳۷

۱۷. ریاض الأبرار

ریاض الأبرار نوشته سید نعمت‌الله جزایری (م. ۱۱۱۲) است. وی نیز تصریح نموده که این روایت را از بصائرالدرجات نقل کرده است. ۲۸.

۱۸. عوالم‌العلوم

عوالم‌العلوم نوشته شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی (م. قرن دوازدهم) است. بحرانی نیز تصریح کرده که این روایت را از بصائرالدرجات آورده است. ۲۹.

با توجه به سیر تطور این روایت در منابع، روشن می‌شود که در واقع راجع به معجزه حرکت درخت، یک روایت وجود داشته که نخستین بار محمدبن حسن صفار از استاد خود ابراهیم‌بن اسحاق و او از محمدبن فلان رافعی نقل کرده است. ابراهیم‌بن اسحاق، از اصحاب و راویان امام هادی (ع) بودند. ۳۰ اما محمدبن فلان رافعی مجهول است و در منابع نامی از او وجود ندارد.

این روایت را از لحاظ سند و محتوا می‌توان نقد و ارزیابی کرد.

۱. نقد سندی

مهم‌ترین نقدی که به این روایت وارد می‌شود در مورد سند آن است؛ زیرا به طور دقیق مشخص نیست که نام اولین راوی آن چیست. در سند برخی منابع آمده که علی‌بن ابراهیم از پدرش و او از محمدبن فلان رافعی این روایت را نقل

ص: ۵۳۸

کرده است؛ مانند بصائرالدرجات و مدینه‌المعاجز، اما در برخی منابع دیگر گفته شده محمدبن فلان واقفی، مانند اثبات‌الهداه و اصول کافی. عده‌ای هم نام اولین راوی را محمد رافعی ذکر کرده‌اند، مثل الثاقب فی المناقب، و بعضی هم نام این فرد را عمر می‌دانند؛ مانند الدرالنظیم. گروهی هم در سلسله سند آن فقط گفته‌اند: الرافعی و دیگر به نام این شخص اشاره نکرده‌اند، مثل ارشاد، اعلام‌الوری، خرائج، مناقب ابن شهر آشوب و کشف‌الغمه.

۲۷. نک: ج ۴۸، ص ۵۲.

۲۸. نک: ریاض الأبرار، ج ۲، ص ۲۸۰.

۲۹. عوالم‌العلوم، ج ۲۱، ص ۱۴۳.

۳۰. ابن‌شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۴۰۲.

بنابراین، اولین راوی این روایت مجهول است و مشخص نیست که چه کسی آن را نقل کرده است. علامه مامقانی نیز در ذیل نام محمدبن فلان، می‌نویسد که حال این شخص مجهول است و در برخی نسخه‌ها نام این شخص رافعی است (فاء بر قاف مقدم است). ۳۱.

البته در این جا باید به این نکته توجه کرد که محمدبن فلان واقفی نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا واقفیه بعد از شهادت امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) پدید آمدند و راوی، این روایت را از خود امام کاظم (ع) نقل کرده است.

در برخی منابع، نام اولین راوی محمد رافعی بود. در مسند امام کاظم (ع) آمده است که ظاهراً محمدبن فلان رافعی همان محمد رافعی است که از امام کاظم (ع) روایت کرده است. ۳۲ اما با این حال، نمی‌توان، به طور یقین پی برد که او همان محمدبن فلان است. در تعدادی از منابع هم این روایت، از عمر رافعی نقل شده، در حالی که در منابع رجالی، نامی از عمر رافعی نبود.

۲. نقد محتوایی

نقد دیگری که به این روایت وارد می‌شود از لحاظ محتواست. در برخی از منابع به ویژه بصائرالدرجات آمده است که امام به حسن بن عبدالله فرمودند: «برو از

ص: ۵۳۹

انس بن مالک و فقهای مدینه فقه بیاموز.» در حالی که با توجه به تاریخ زندگانی و وفات انس، این گزارش درست نیست، زیرا در مورد تاریخ وفات انس اختلاف است و سال وفات او را ۹۰ تا ۹۳ ذکر کرده‌اند، ۳۳ ولی مشهور این است که او در سال ۹۳ وفات یافته، بنابراین نمی‌تواند عصر امام کاظم (ع) (۱۲۸-۱۸۳ ق) را درک کرده باشد.

برخی منابع متوجه این اشتباه شده‌اند؛ بنابراین یا نام انس را حذف کرده‌اند؛ مانند کلینی و شیخ مفید و یا این که به جای انس بن مالک، مالک بن انس را آورده‌اند؛ مانند ابن شهر آشوب در المناقب و ابن حمزه طوسی در الثاقب فی المناقب؛ زیرا تاریخ زندگانی مالک با امام کاظم (ع) تناسب دارد.

ابن سعد در مورد تاریخ وفات مالک می‌نویسد:

او در چهاردهم ربیع الاول سال ۱۷۹ در زمان خلافت هارون درگذشت. ۳۴

محتوای این روایت در منابع تقریباً یکسان است و تفاوت کمی در نقل این روایت مشاهده می‌شود که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۳۱. نک: تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۷۳.

۳۲. همان.

۳۳. همان، ص ۱۹.

۳۴. همان، ج ۵، ص ۴۶۹.

۱. در روایت بصائرالدرجات آمده که امام، گزارش کار ابوبکر و عمر را به او دادند درحالی که:

الف) برخی منابع به جای ابوبکر و عمر، «امر رجلین» را آورده‌اند؛ مانند کلینی در اصول کافی؛

ب) برخی دیگر به جای آن، «امر غیره» را آورده‌اند؛ مانند ابن حمزه در الثاقب؛

ج) بعضی هم نام ابوبکر و عمر را حذف کرده‌اند؛ مانند شیخ مفید در ارشاد.

ص: ۵۴۰

احتمالاً این تغییر، به این دلیل بوده که این افراد محتاطتر از صفار بوده‌اند و یا این که وضعیت آن دوران اقتضا می‌کرده که این افراد احتیاط بیش‌تری کنند و به جهت ملاحظات مذهبی، صلاح ندیده‌اند که آن را بیاورند.

۲. تفاوت دیگری که در نقل این روایت دیده می‌شود، نام انس بن مالک است:

الف) تعدادی از منابع، نام انس را حذف کرده‌اند؛ مانند کلینی، شیخ مفید و طبرسی؛

ب) تعدادی هم به جای انس بن مالک، مالک بن انس را آورده‌اند؛ مانند ابن شهر آشوب در المناقب و ابن حمزه در الثاقب.

حذف نام انس، به این دلیل بوده که آن را اشتباه می‌دانستند؛ زیرا وی در زمان رسول خدا (ص) زندگی می‌کرده و خادم ایشان بوده است.

۳. تفاوت دیگر در شیوه نقل این روایت است:

الف) برخی از منابع، صدر این روایت را حذف کرده‌اند؛ مانند ابن شهر آشوب و بیاضی. بدین جهت که این منابع ابتدای روایت را که در مورد حسن بن عبدالله بود، نیاورده‌اند.

ب) گروهی هم ذیل روایت را حذف کرده‌اند؛ مانند کلینی و شیخ مفید که دیگر قسمت پایانی روایت (قطع شدن خواب) را نیاورده‌اند.

ج) بعضی هم این روایت را به صورت خلاصه آورده یا فقط به آن اشاره کرده‌اند؛ مانند حلبی و فتال نیشابوری.

احتمال دارد این تفاوت، در شیوه نقل نیز به این دلیل بوده که این افراد، آوردن این قسمت‌ها را ضروری نمی‌دانستند یا درصدد نقل روایت به صورت کامل نبوده‌اند. بخشی از این تغییرات نیز به شیوه نگارش این نویسندگان مربوط بوده است. در دوره‌هایی حذف اسانید، از جمله روش‌های نویسندگان در باب ائمه بوده است.

ص: ۵۴۱

با بررسی سند و محتوای روایت معجزه حرکت درخت توسط امام کاظم (ع) و هم‌چنین با بررسی سیر تطور این روایت در منابع، به این نتیجه می‌رسیم که در واقع در مورد این کرامت، یک روایت وجود داشته که اولین بار محمد بن حسن صفار در بصائرالدرجات آورده است. وی این روایت را از استاد خود ابراهیم بن اسحاق از اصحاب امام هادی (ع) نقل کرده و منابع دیگر با واسطه یا بی‌واسطه این روایت را از این منبع نقل کرده‌اند و در انتقال این روایت به منابع دیگر،

تغییراتی صورت گرفته که این تغییرات، به شیوه نگارش و یا دیدگاه‌های نویسندگان مربوط می‌شود. عده‌ای صدر روایت و عده‌ای دیگر ذیل روایت را حذف کرده و برخی نیز این روایت را به صورت خلاصه آورده‌اند. هم‌چنین تغییر نام انس بن مالک به مالک بن انس که در منابع بعدی روی داده، برای جلوگیری از تضعیف روایت و به منظور مورد قبول و موجه نشان دادن روایت صورت گرفته است.

منابع

* نهج البلاغه

۱. ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
۲. ابن شهر آشوب، المناقب، قم: علامه، ۱۲۷۹.
۳. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۴. إربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، قم: رضی، ۱۴۲۱.
۵. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، قم: مؤسسه الإمام المهدی (عج)، بی تا.
ص: ۵۴۲
۶. بحرانی، هاشم، مدینه المعاجز، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، بی تا.
۷. بیاضی، علی، صراط المستقیم، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴.
۸. جزائری، نعمت‌الله، ریاض الأبرار، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۷.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه؛ بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵.
۱۰. حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، قم: الهادی، ۱۴۰۴.
۱۱. راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، قم: مدرسه الإمام المهدی (عج)، ۱۴۰۹.
۱۲. شامی، یوسف بن حاتم، الدرالنظیم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۰.
۱۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی، ۱۴۰۴.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام‌الوری، قم: آل‌البیت، ۱۴۱۷.
۱۵. طبری، عماد، مناقب طاهرین، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۲۷۹.
۱۶. طوسی، ابن حمزه، الثاقب فی المناقب، قم: انصاریان، ۱۴۱۹.

۱۷. فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، قم: دلیل ما، ۱۴۲۲.

۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران: انتشارات قائم، بی تا.

۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران: اسلامیة، ۱۲۶۲.

۲۰. -، جلاء العیون، قم: سرور، ۱۲۸۲.

۲۱. -، حیاة القلوب، قم: سرور، ۱۳۸۴.

۲۲. مفید، محمدبن نعمان، ارشاد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۲.

ص: ۵۴۳

تاریخچه حرم کاظمین

حسین ایزدی ۳۵

با شکل‌گیری دولت بنی‌عباس در سال ۱۳۲ قمری، و سیاست خصمانه و کینه‌توزانه عباسیان با علویان و اهل بیت (علیهم السلام) منطقه جنوب بین‌النهرین و یا عراق که پیش از این مقبره مطهر حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) در آن جا بود. مرکز اصلی مشاهد متبرکه شیعیان به ویژه امامان شیعه شد. با توجه به سابقه تاریخی ایرانیان در عراق و هم‌سویی و اعتقاد راسخ آنان به، تشیع رد پا و آثار فرهنگ و معماری ایرانی در تمامی عتبات عالیات به چشم می‌خورد. حرم مطهر کاظمین (ع) یکی از این مقابر مقدس است که باعث تأسیس شهری جدید در جوار بغداد شد. این مقاله، به روند تاریخی شکل‌گیری این حرم و ایرانیانی می‌پردازد که در توسعه و عمران آن نقش محوری داشتند.

واژگان کلیدی: کاظمین (ع)، تاریخچه، مقبره قریش، باب التین.

عباسیان پس از تأسیس دولت خود در سال ۱۳۲ قمری برای نشان دادن شکوه دولت خود، دنبال ایجاد پایتخت جدیدی بودند. ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۶ ق.)

ص: ۵۴۴

اولین خلیفه عباسی، در شهر کوچک و نیمه‌کاره‌ای ساکن شد که یزید بن عمر بن هبیره ساخته بود. خلیفه بنای خانه‌ها و قصر آن را تکمیل کرد و نام آن را هاشمیه گذاشت، ولی مردم بنا بر عادت و به دلیل این که ابن هبیره بنای آن را آغاز

کرده بود، به آن شهر، و کوشک ابن هبیره می‌گفتند. بنابراین ابوالعباس، به شهر انبار نقل مکان کرد. ۳۶ منصور دومین خلیفه عباسی (۱۵۸-۱۳۶ ق.) در هاشمیه کوفه ساکن شد و بنای آن را تکمیل کرد و ساختمان‌هایی به آن اضافه نمود و شهر را آن طور که می‌خواست مهیا کرد. ۳۷ نزدیکی هاشمیه به کوفه که بافت سیاسی نامطمئن داشت و حضور طرفداران علویان در کوفه و هم‌چنین شورش راوندیه که به قصد قتل منصور تا داخل کاخ وی پیشروی کرده بودند، آسیب‌پذیر بودن هاشمیه را در برابر حملات مسلحانه مخالفان نشان داد و باعث شد تا منصور، درصدد یافتن جایگاه مناسبی برآید تا هم شکوه و عظمت دولت تازه تأسیس بنی‌عباس را نشان دهد و هم اهمیت و مسائل امنیتی در ساخت آن رعایت شده باشد.

منصور پس از بررسی دقیق مناطق مختلف بین‌النهرین و توجه به ملاحظات اقتصادی و طبیعی، محل شهر فعلی بغداد را انتخاب نمود. در واقع مزایای طبیعی و ارتباطی عراق نسبت به سایر سرزمین‌های اسلامی توجه منصور و عباسیان را جلب کرد. محلی که او برای پایتخت جدید در نظر گرفت، در دشتی حاصل‌خیز واقع شده بود و در آن‌جا کشت و زرع در دو سوی رودخانه دجله رونق داشت و بر سر راه خراسان واقع بود. هم‌چنین محل برخورد کاروان‌هایی بود که از شرق می‌آمدند و بازارهای ماهانه در آن‌جا تشکیل می‌دادند و به این ترتیب، آذوقه کافی برای کارگرانی که مجری ساخت شهر بودند، ساکنان بعدی آن یعنی مردم، دربار

ص: ۵۴۵

خلافت عباسی و سربازان آن، به وفور در دسترس بود. ۳۸

منصور در ساختن بغداد، نیازهای این شهر را در نظر گرفت؛ یعنی علاوه بر نکات امنیتی، به مسائل رفاهی شهر هم توجه داشت. او از نهرهای منشعب از فرات یا دجله، برای کشاورزی و تأمین آب مورد نیاز شهر استفاده کرد. ساختن مسجد جامع و بازارهای متعدد را نیز در دستور کار قرار داد. بازارهایی که رونق تجارت آن‌ها باعث شد تا بغداد، علاوه بر مرکزیت سیاسی، اهمیت اقتصادی و بازرگانی هم بیابد. از دیگر نیازهای این شهر که منصور نیز به آن توجه داشت، محل مناسبی برای دفن اموات بود که زمینه شکل‌گیری حرم مطهر کاظمین فراهم شد. که در ادامه، چگونگی شکل‌گیری تحولات آن بررسی می‌شود.

باغ‌های حاصل‌خیز و پر رونقی در مناطق هم‌جوار بغداد و نزدیک به کرخ وجود داشت که به «شونیزیه» معروف بود. منصور در همان سال ۱۴۵ قمری که عملیات ساختمانی بغداد را آغاز کرد، منطقه شونیزیه را محل مقبره خانوادگی برگزید و آن را مقابر قریش نامید. شونیزیه به معنای سیاه‌دانه است که روی نان می‌پاشند. ۳۹ مقابر قریش که در منطقه غربی بغداد ایجاد شد، زمین بسیار وسیعی را دربرمی‌گرفت. هارون‌الرشید که از ارتباط و مراجعه مسلمانان و شیعیان به حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) هراس داشت، ایشان را در مدینه درحالی‌که در جایگاه رسول خدا (ص) در حال

۳۶. فتوح البلدان، ص ۴۶.

۳۷. همان، ص ۴۷.

۳۸. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۱۹۹؛ تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۷۲۹، ۴۷۲۵؛ تاریخ یعقوبی، ص ۴۵۹-۴۵۷.

۳۹. یاقوت حموی، معجم البلدان، ص ۳۷۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۹/۱۹۷۹.

نماز بودند، دستگیر کرد. ۴۰ هارون به دلیل این که مردم متوجه نشوند حضرت در چه مکانی زندانی می شوند، دستور داد تا در

ص: ۵۴۶

مدینه دو کاروان آماده کنند و یکی از کاروان ها را به سمت کوفه و دیگری را به سمت بصره فرستاد. ۴۱ هارون پس از بازگشت به بغداد، ابتدا امام کاظم (ع) را نزد حاکم بصره، عیسی بن جعفر بن منصور، زندانی کرد؛ اما عیسی از این کار و مسئولیت آن خسته شد و از هارون خواست امام را تحویل شخص دیگری بدهد. هارون هم زندانبانی حضرت را به فضل بن ربیع داد. امام مدتی طولانی نزد وی زندانی بود و فضل از به قتل رساندن امام خودداری کرد. زندانبان بعدی امام، فضل بن یحیی برمکی بود که حرمت امام را پاس می داشت و امام در رفاه بودند.

هارون که در این زمان در رقه بود، با شنیدن خبر وضعیت مطلوب امام، بسیار عصبانی شد و ضمن مجازات فضل بن یحیی، ایشان را تحویل زندانبان دیگری به نام سندی بن شاهک داد که داروغه بغداد بود. او از روی خیانت ذاتی و خوش خدمتی به هارون امام را شکنجه زیادی کرد و سرانجام در ۱۸۳ قمری، به دستور هارون، حضرت را مسموم کرد و به شهادت رساند. ۴۲

عباسیان از ترس این که مبادا محل دفن امام کاظم (ع) محل تجمع و حضور شیعیان باشد، پیکر مطهر حضرت را در مقابر قریش یا همان شونیزیه به خاک سپردند و پس از آن، تعدادی از خلفا و اعضای خاندان تبهکار بنی عباس در این مقابر دفن شدند. ۴۳ با توجه به این که قبور تعدادی از خلفا و طایفه بنی عباس در جهت فعلی و بالاسر مبارک امام کاظم (ع) واقع بود، نمازگزاران در این قسمت به دلیل این که مقابل قبله قرار می گیرد جایز نیست و امام رضا (ع) به شیعیان توصیه کرده اند در مساجد اطراف قبر مطهر نماز بخوانند. ۴۴

ص: ۵۴۷

در سال ۲۱۸ قمری در دوران حکومت معتصم عباسی (۲۲۷-۲۱۸ ق.) حضرت محمد بن علی (ع) امام نهم شیعیان از مدینه به بغداد منتقل شدند. دو سال بعد، معتصم توسط ام الفضل دختر مأمون و همسر امام جواد (ع) حضرت را مسموم کرد و به شهادت رساند. شیعیان علی رغم جلوگیری بنی عباس جمع شدند و پس از تشییع باشکوهی پیکر مطهر حضرت را در جوار قبر جدشان حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) دفن کردند. شیعیان پس از مدتی و در عهد دوم عباسی،

۴۰. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۶۸، ترجمه، هاشم رسولی محلاتی، تهران: بی تا، کتابفروشی صدوق؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ص ۱۳۱، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.

۴۱. همان.

۴۲. ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۴۷۱، ۴۷۰، ۴۶۹؛ شیخ صدوق، همان، ص ۱۴۹-۱۶۲.

۴۳. ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۴۱۷؛ عیون اخبار الرضا، ص ۱۴۹، ۱۵۷ و ۱۵۶.

۴۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۸۳، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۴؛ شیخ صدوق، من لا یحضر الفقیه، ج ۲، ص ۳۶۳، مؤسسه الوفا، ۱۳۶۶/

۱۴۰۷ ق؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه و تحقیق، سید فضل الله میر شفیعی خوانساری، قم: انتشارات اسوه، ص ۱۰۳۶، ۱۳۹۰.

بر قبر این دو امام بقعه و عمارتی ساختند و آن را کاظمیه نامیدند که باعث شد بعد از آن مقابر قریش به کاظمیه تغییر نام دهد. در کنار این بقعه منور و مطهر، مسجدی به نام «باب التین» قرار داشت که پس از خاک‌سپاری دو امام، کانون حضور شیعیان امامیه شد و شیعیان قبر دو امام را از داخل این مسجد زیارت می‌کردند. به همین دلیل، بقعه کاظمیه یا کاظمین به مشهد «باب التین» نیز معروف بود.

تا پیش از سلطه آل بویه بر بین‌النهرین، مقبره کاظمین مثل سایر مقابر قریش بود و ایجاد بنا و تأسیسات ویژه برای آن در تاریخ گزارش نشده است. در سال ۳۳۶ قمری، به دستور احمد بن بویه معزالدوله، عمارت کوچک قبلی که شیعیان ساخته بودند، تخریب گردید و بقعه‌ای باشکوه با ضریح از جنس چوب ساج ساخته شد. همچنین گنبد بزرگی بالای این مقابر مطهر ساختند و ساختمان داخل که به مرور شکل یک حرم مستقل در مقابر قریش به خود گرفته بود، با کاشی‌کاری آراسته شد. احمد معزالدوله که بغداد را مقر اصلی حکومت خود برگزیده بود، به زیارت کاظمین اهمیت زیادی می‌داد. وی هر روز پنج‌شنبه با وزرا و اعیان و فرماندهان خود به زیارت کاظمین می‌رفت و صبح شنبه به قصر حکومتی خویش در بغداد باز می‌گشت. ۴۵ عزالدوله دیلمی (۳۶۷-۳۵۶ ق.) که پس

ص: ۵۴۸

از پدرش معزالدوله جانشین وی در عراق شد، علاوه بر سایر عتاب مقدسه عراق، در ضمن بازسازی کاظمین عمارات بسیاری ساخت و برای رفاه حال زائران و علویان مجاور این مکان مقدس، وجوه نقدی و غیرنقدی فراوانی هزینه کرد. ۴۶ سپس عضدالدوله (۳۷۲-۳۶۷ ق.) که قدرت یک پارچه‌ای در قلمرو خاندان آل بویه یافته بود، همپای سایر مشاهد متبرکه جنوب بین‌النهرین، به بازسازی و نوسازی حرم کاظمین اقدام نمود و آن را وسعت بخشید. عضدالدوله در سال ۳۶۹ قمری، دیواری گرداگرد کاظمین کشید که دیگر منطقه‌ای بزرگ در جوار بغداد بود و بیمارستانی بین کاظمین و بغداد ساخت که خدمات رفاهی و درمانی لازم را به زائران کاظمین عرضه می‌کرد. ۴۷ کاظمین، با این اقدامات و توجه ویژه دولت آل بویه رسماً به عنوان یک شهر در کنار بغداد جایگاهی ویژه یافت.

بغداد در دوره آل بویه، طی سال‌های مختلف بارها شاهد درگیری‌های خونین مذهبی بود و کرخ و کاظمین، کانون اصلی این درگیری‌ها بودند. یکی از این حملات شدید در سال ۴۴۳ قمری به وقوع پیوست. در این سال اهل سنت به رهبری حنابله که در این زمان نوعاً تندروترین گروه‌های مذهبی نسبت به شیعیان بودند، به کاظمین حمله کردند و طی سه روز، تمام قندیل‌ها، سلاح‌های اهدایی طلا و نقره، پرده‌ها و آنچه را در پیرامون حرم کاظمین بود، غارت کردند و حتی ضریح چوبی دو امام را آتش زدند و هر کار زشت و ننگینی که در جهان مانند نداشت، انجام دادند؛ حتی قصد نبش قبر و آرامگاه دو امام و انتقال پیکر مطهر امامان به مقبره احمد بن حنبل را داشتند که به دلیل خرابی و انهدام وسیعی که ایجاد کرده بودند، نتوانستند محل قبر را شناسایی کنند. ۴۸

۴۵. حافظ الذهبی، العبر من خبر عن عنبر، ص ۱۳۲، بیروت: بی تا.

۴۶. میر سیدظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان، رویان و مازندران، ص ۶۷، به کوشش حسین تسییحی، تهران: انتشارات شرق.

۴۷. الکامل فی التاریخ، ج ۱۵، ترجمه علی هاشمی حایری، ص ۱۲۰ و ۱۳۷؛ خطیب بغدادی، همان، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۴۸. ابن اثیر، همان، ج ۱۶، ص ۲۸۱.

در دوره آل بویه در جنگ‌های مذهبی، بارها به حرم مطهر کاظمین حمله گردید و غارت و تخریب شد. علاوه بر این، طغیان‌های فصلی دجله نیز خسارت زیادی به این مکان وارد کرد؛ وضعیتی که تا دوره سلجوقی ادامه داشت. در دوره سلجوقی، گرچه خبری از درگیری و حملات غارت‌گرانه به کرخ و کاظمین نبود و اصولاً حکومت متمرکز و یکپارچه سلجوقی به جهت حفظ نظم و حاکمیت خود، اجازه چنین اقداماتی را نمی‌داد، حرم کاظمین وضعیت چندان مطلوبی نداشت. اولین بازسازی کاظمین در عصر سلجوقی در سال ۴۹۰ قمری توسط مجدالملک ابوالفضل براوستانی، وزیر شیعی برکیارق سلطان سلجوقی (۴۸۷-۴۹۸) قمری صورت گرفت. مجدالملک به تعمیر و بازسازی اساسی حرم پرداخت و بناهای جدیدی از جمله یک مسجد بزرگ با دو مناره بلند و زیبا و همچنین مکانی مجزا برای استراحت و سکونت زائران احداث کرد و دیوارهای حرم را با کاشی تزیین نمود. ۴۹۰ بنای حرم پس از دوران سلجوقیان و بیرون راندن ترکان از بغداد، در سال ۵۶۹ قمری به دلیل طغیان رود دجله دچار آسیب جدی شد. الناصرالدین الله عباسی (۶۲۲-۵۷۵ ق) خلیفه وقت، به تشویق وزیر شیعه خود مویدالدین قمی و به دلیل حضور پرتعداد و مؤثر شیعیان در بغداد و در واقع برای استفاده از قدرت اجتماعی شیعیان در جهت تقویت قدرت خود، در سال ۵۷۵ قمری ضمن تعمیرات و نوسازی، حجره‌هایی در اطراف صحن کاظمین ساخت.

آخرین صدمات ناشی از درگیری‌های مذهبی در کاظمین در سال ۶۵۴ قمری، دو سال قبل از سقوط بغداد به دست مغول و درحالی اتفاق افتاد که سیلاب دجله بخش‌های زیادی از بغداد را زیر آب برده بود. این واقعه زمانی روی داد که فردی به دست یکی از اهالی کرخ به قتل رسید و توده‌های عامه مردم از محلات سنی‌نشین، به سربازان خلیفه عباسی پیوستند و محله کرخ را غارت کردند و به آتش کشیدند و جمع زیادی را کشتند و زنان بسیاری را ربودند. در این حملات، ابوبکر پسر ارشد المستعصم (۶۵۶-۶۴۰ ق) نقش اصلی را در رهبری غارت‌گران داشت. وی حرم مطهر کاظمین را به باد غارت داد و مرتکب فجایع زیادی شد و قتل و غارت و فحشا را به نهایت رساند. اقداماتی که عموم شیعیان بغداد را بسیار متألم و ملول و از بنی‌عباس به شدت متنفر کرد و هیچ‌گاه از ذهن آنان پاک نشد. ۵۰

مغول‌ها که گروهی برآمده از قبایل صحرای گبی بودند، در جریان سومین موج حمله خود به سرزمین‌های اسلامی، در سال ۶۵۶ قمری به قصد نابودی خلافت عباسی به بغداد حمله کردند و شهر را پس از محاصره‌ای طولانی تصرف نمودند. در جریان تصرف بغداد، گروه زیادی از مردم کشته شدند و اموالشان غارت گردید و بیش‌تر ابنیه و عمارات بغداد تخریب شد. در این بین شهر و حرم کاظمین که در جوار بغداد بود نیز دست‌خوش غارت و حریق گردید. ۵۱

۴۹. قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۴۵۹-۴۶۰، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۵؛ ملا عبدالجلیل قزوینی رازی، النقض، به تصحیح میر جلال‌الدین محدث ارموی، ص ۸۲، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸؛ تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۷۱۹.

۵۰. بنا بر روایت ابن فوطی، این درگیری‌ها در سال ۶۵۳ قمری، نیز صورت گرفته و کاظمین و کرخ و ساکنان شیعی آن غارت شده بودند. ابن فوطی، الحوادث الجامعة فی ماته السابعة، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۱۸۸/۷۹-۱۷۸/۷۴-۱۷۳، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.

۵۱. ابن فوطی، همان، ص ۹۶-۱۹۵-۱۴۵؛ عبدالله بن فضل الله، شیرازی، تاریخ و صاف، به قلم عبدالمحمد آیتی، ص ۲۳، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.

عمومی بغداد را به منظور استفاده عمال حکومتی و نمایندگان خود، صادر کرد. بغداد تا سال ۷۴۰ قمری، زیر سلطه ایلخانان مغول باقی ماند و طی این مدت، اداره امور شهر بیش‌تر به ایرانیان سپرده می‌شد. اولین حاکم ایرانی بغداد در عهد مغول عظاملک جوینی نویسنده کتاب معروف جهانگشای جوینی است که به مدت ۲۴ سال (۶۵۷ تا ۶۸۱ ق)، حاکم بغداد بود. جوینی در کنار بازسازی ویرانه‌های بغداد و ساخت مدارس، مساجد و باغ‌های تازه، به بازسازی دوباره حرم مطهر کاظمین توجه ویژه‌ای داشت. وی خسارات وارده به این بنای مقدس را جبران نمود و دوباره آن را به شکل سابق خود برگرداند و دیوارهای آن را هم مثل قبل از تخریب، با کاشی تزیین کرد. ۵۲

یک قرن پس از حضور مغول‌ها، بغداد دچار طغیان‌های فصلی دجله شد که کاظمین نیز از آن برکنار نماند و حرم مطهر بار دیگر دچار خسارت جدی شد و رو به ویرانی رفت. در این زمان سلسله آل جلایر، بر بغداد و حومه آن و بخشی از عراق حکومت می‌کردند. سلطان اویس جلایری (۷۷۷-۷۵۷ ق) به ترمیم و بازسازی دوباره حرم اقدام کرد و برای نخستین بار، دو صندوق خاتم‌کاری بسیار زیبا روی قبور مطهر امامان نصب نمود و به جای تک گنبد عصر آل‌بویه، دو گنبد بر فراز قبرهای مطهر ساخت. وقتی در سال ۷۷۶ قمری، بار دیگر طغیان دجله خساراتی به حرم وارد نمود، سلطان اویس با تلاش وزیر خود، بار دیگر به بازسازی خسارات ناشی از سیل اقدام کرد و حتی یک کاروان‌سرا برای سکونت زائران ساخت. ۵۳

پس از ظهور سلسله صفویه و رسمیت یافتن مذهب تشیع دوازده‌امامی در ایران، شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷-۹۳۰ ق) مؤسس این حکومت، در ادامه فتوحات و توسعه قلمرو سیاسی، به عراق نیز حمله نمود و تمام جنوب بین‌النهرین را تصرف کرد. وی پس از فتوحات در عراق و زیارت کربلا و نجف، به بغداد و سپس به کاظمین رفت. با توجه به این که سلسله نسب سیادت مورد ادعای صفویان به امام کاظم (ع) می‌رسید، شاه توجه ویژه‌ای به حرم مطهر کاظمین داشت. وی در سال ۹۲۶ قمری، دستور داد تمام بناهای موجود حرم را که در اثر سیلاب‌های دجله و وقایع تاریخی وضعیتی نامطلوب داشت، خراب کنند و به جای آن عمارتی زیبا و باشکوه بسازند که شامل رواق در چهار سمت، صحنی بزرگ، حرم، دو گنبد جدید کاشی‌کاری شده و یک مسجد بزرگ با ستون‌های ضخیم در شمال می‌شد که به جای مسجد عهد سلجوقی ساخته شد. ۵۴

۵۲. همان، ص ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۱۳ و ۲۲۱.

۵۳. جعفر بن ابن الحاج النقدي، تاريخ الامامين الكاظمين و روضتها الشريفة، ص ۲۴-۲۶، مکتبه العلمیه، عراق: بغداد، دارالکتب العراقیه، ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م؛ غیاث‌الدین خواندمیر، حبیب السیر، ج ۳، ص ۲۴۲، زیر نظر دکتر دبیر سیاقی، تهران: کتاب‌فروشی خیام ۱۳۵۳؛ میرزا عباس فیض قمی، تاریخ کاظمین و بغداد، ص ۱۲۱، قم: ۱۳۲۷.

۵۴. ساخت و ساز زیربنایی عهد صفوی، مبنای توسعه و اقدامات ادوار بعدی شد و بنای حرم مطهر کاظمین چارچوب فیزیکی عهد صفوی را تا امروز حفظ کرده است.

شاه اسماعیل علاوه بر این اقدامات، دو صندوق بسیار زیبای خاتم‌کاری برای قبور مطهر ساخت که هنوز پابرجا و موجود است. صندوق روی قبر امام جواد (ع)، از شاه‌کارهای منحصر به فرد هنری است و به لحاظ پرکاری و ریزنقش بودن، از همه صندوق‌های موجود نصب شده در عتبات عالیات زیباتر است. تکه‌های بسیار ریز عاج که یک دهم میلی‌متر است، در داخل چوب‌های صنعتی و آبنوس کار شده و گل‌های منبت از عاج با شاخه‌های گل نیم‌میلی‌متری از شاه‌کارهای هنر اسلامی است. این صندوق ۵/۲ متر طول ۸۳/۱ سانتی‌متر عرض و ۱/۵ متر ارتفاع دارد. صندوق قبر مطهر امام کاظم (ع) که با نقره تزیین شده و ریزکاره‌های خاص خود را دارد، از صندوق امام جواد (ع) کوچک‌تر و دارای ریزه‌کاری‌های کم‌تری است که یک بار استاد صنایع خاتم‌کار در عهد قاجار، آن را ترمیم کرد. امروزه کتیبه‌ای مربوط به عهد صفوی بر دیوارهای حرم کاظمین به

ص: ۵۵۳

جا مانده که به شرح اقدامات عمرانی شاه اسماعیل پرداخته است. ۵۵.

سلسله صفویه، به دلیل هرج و مرج‌های سیاسی و جنگ‌های داخلی مدعیان قدرت پس از مرگ شاه اسماعیل، کنترل و اداره جنوب بین‌النهرین را از دست دادند و این سرزمین به تصرف سلیمان‌خان قانونی (۹۷۴-۹۲۶ ق) درآمد.

در دوران تسلط ترکان عثمانی (۹۷۴-۹۲۶ ه. ق) با وجود گرایش و تعصب آنان به مذهب اهل سنت و جماعت، خبری از درگیری، حملات و تخریب کاظمین نیست و حتی سلیمان‌خان در زمان حضور در بغداد، برای نشان دادن توجه و احترام خود به حرم مطهر، منبری زیبا از آجر تراشیده و کاشی‌کاری، به مسجد شمالی حرم تقدیم کرد. این منبر تا امروز به‌جامانده است. به واسطه سلسله عثمانی اهل سنت تا سال ۱۳۴۰ قمری، در این مسجد که در سال ۹۲۶ قمری، به دستور شاه اسماعیل ساخته شده بود، نماز جماعت می‌خواندند تا این که شیخ مهدی خالصی در آن به اقامه نماز جماعت پرداخت و از آن پس شیعیان نماز جماعت را برگزار می‌کردند. پس از تحولات داخلی و روی کار آمدن شاه‌عباس اول (۹۸۵-۱۰۳۸ ق) و اصلاحات سیاسی و نظامی وی که باعث احیای قدرت صفویه شد، این حکومت بار دیگر عراق را از کنترل دولت عثمانی خارج کرد. حرم مطهر کاظمین با توجه به اهمیت جایگاه آن در سلسله نسب سیادت صفویه، طی دوران حکومت شاه‌عباس اول و شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق) مورد توجه ویژه دولت صفوی قرار گرفت. شاه‌عباس اول تمام ثروت خود را وقف چهارده معصوم کرد که بخشی از آن به حرم کاظمین رسید. ۵۶.

۵۵. بوداق منشی قزوینی، جواهر الاخبار، (بخش ایران از قراقرینلو تا سال ۹۸۴ ق)، مقدمه و تصحیح و تعلیق از محسن بهرام نژاد، تهران: نشر میراث مکتوب ۱۳۷۸، ص ۱۲۴؛ حبیب السیر، ج ۴، ص ۴۹۴؛ امینی هروی، فتوحات شاهی، تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ ق، تصحیح، توضیح و تعلیقات محمدرضا نصیری، ص ۳۰۳، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۳.

۵۶. ولی قلی بن داوود قلی، شاملو، قصص الخاقانی، تصحیح و پاورقی سیدحسین سادات ناصری، ج ۱، ص ۹۳-۹۶، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۱؛ اسکندربیک منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۲، ص ۱۲۵۲-۱۲۵۰ و ۱۶۶۸-۱۶۶۷، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۷ محمد معصوم، خواجه‌گی اصفهانی، خلاصه السیر، تاریخ روزگار شاه صفی، به سعی ایرج افشار، ص ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۴۹، ۱۵۸، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۸؛ ابوالحسن قزوینی، فواید الصفویه، به تصحیح مقدمه و حواشی مریم میراحمدی، ص ۵۲، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷؛ محمد یوسف واله قزوینی اصفهانی، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، (حدیقه ششم و هفتم از روضه ششم خلدبرین)، تصحیح توضیحات و تعلیقات محمدرضا نصیری، ص ۹۵-۸۴، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۰.

ص: ۵۵۴

وی نخستین بار، حرم را دارای ضریحی فولادی نمود و حرم و رواق‌های نزدیک به قبور مطهر را تزئین و بازسازی کرد. این اقدامات تا دوران شاه صفی با ساختن چهار مناره در چهار گوشه صحن کاظمین ادامه یافت ۵۷ که امروزه هم‌چنان پابرجاست.

پس از شکست صفویه از قوای عثمانی و از دست رفتن عراق در سال ۱۰۴۹ قمری، صفویان دیگر حاکمیت سیاسی مستقیم نداشتند و نمی‌توانستند شخصاً به بازسازی و توسعه و آبادانی کاظمین اقدام کنند. ایرانیان در تمامی ادوار تاریخی پس از سلطه دوباره عثمانی بر عراق به‌ویژه در عهد قاجاریه، با ارسال هدایا و نذورات و پرداخت هزینه، به بازسازی و آبادانی حرم مطهر توجه ویژه‌ای نشان دادند؛ امری که با موافقت و مساعدت دولت عثمانی همراه بود؛ زیرا آبادانی رونق کاظمین، باعث افزایش درآمد این دولت از طریق زائران شیعه و مساعدت و همراهی گروه پر نفوذ شیعیان در عراق می‌شد. در عصر قاجاریه، با حمایت مالی آغا محمدخان قاجار (۱۱۹۳-۱۲۱۲ ق) که توجه زیادی به مسائل مذهبی نشان می‌داد، اقدامات عمرانی وسیعی در حرم مطهر صورت گرفت. در این زمان، اولین بار دو گنبد مطهر کاظمین و ایوان و رواق جنوبی که به بالاسر امام

ص: ۵۵۵

کاظم (ع) دارد، پوشیده شد و کف حرم و صحن مطهر، با سنگ‌های مرمر فرش گردید. هم‌چنین به جهت توسعه فضای فیزیکی، نخستین بار منازل مسکونی

اطراف حرم خریداری و تخریب شد و به فضای حرم اضافه گردید. ۵۸ این اقدامات در ادوار بعدی دولت قاجار ادامه یافت. در سال ۱۲۲۱ ق، فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق). آئینه‌کاری، کاشی‌کاری رواق‌ها و طلای مناره‌های کاظمین را تجدید کرد. ۵۹ در سال ۱۲۴۷ قمری، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی، از رجال و دولت‌مردان متمول قاجاری، هزینه طلاکاری و نوسازی رواق‌های جنوبی، شرقی و غربی را پرداخت کرد. در سال ۱۲۸۲ قمری، شیخ‌العراقین وکیل میرزاخان امیرکبیر، از محل ثلث میراث امیرکبیر، تعمیراتی در حرم مطهر انجام داد و به بازسازی، نوسازی، آئینه‌کاری و کاشی‌کاری رواق‌ها، ایوان‌ها و صحن مطهر پرداخت. ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) تنها پادشاه سلسله قاجاریه که از عتبات عالیات بازدید کرد، در سال ۱۲۸۳ قمری، ضریحی از نقره ساخت و جای‌گزین ضریح فولادی عصر صفوی نمود و رواق شرقی حرم مطهر را آئینه‌کاری و طلاکاری کرد که هنوز عنوان ناصرالدین‌شاه قاجار بر پیشانی این دیوار موجود است. ۶۰

۵۷. همان.

۵۸. ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات (شهریار جاده‌ها)، به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، ص ۹۶، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران؛ تاریخ الامامین الکاظمین، ص ۷۵.

۵۹. سفرنامه ناصرالدین شاه، ص ۹۶.

۶۰. همان، ص ۹۶/۱۵۵.

علاوه بر شاهان قاجار، سایر افراد ایرانی نیز در توسعه و تزیینات حرم مطهر نقشی فعال داشتند. یکی از این افراد بانو سلطان بیگم دختر مشیرالملک شیرازی است که یک ضریح از نقره ساخت و در سال ۱۳۲۴ قمری، یعنی ۱۰۹ سال پس از ضریح زمان ناصرالدین‌شاه که فرسوده شده و نقره‌های آن از بین رفته بود، نصب کرد که تاکنون باقی مانده است. ۶۱ نکته جالب این ضریح، باقی ماندن هشت

ص: ۵۵۶

گلدان فولادی بزرگ عهد صفوی است که دارای احادیث و آیات قرآن با خطی بسیار زیباست. این ضریح هفت متر طول، پنج متر عرض و سه و نیم متر ارتفاع دارد. درب ورودی این ضریح، در وسط ضلع شرقی و در حد فاصل دو صندوق قبور مطهر امامان قرار گرفته است. قبر شریف و مطهر حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) در قسمت جنوبی و قبر مطهر امام جواد (ع) در قسمت شمالی داخل ضریح قرار دارد. تا قبل از تعمیرات چند سال اخیر، قسمت غربی فاصله اندکی با دیوار داشت و قسمت شرقی، دارای فضای باز به عنوان محل اجتماع زائران بود. اطراف ضریح مطهر تا سقف آیینکاری شده و زیر گنبد دارای نقوش و خطوط بسیار زیبای عهد صفوی است. روی کاشی‌های گرداگرد روضه منوره کاظمین، کتیبه‌هایی با خط ثلث قرار دارد که دارای تاریخ ۹۲۹ قمری است و نام‌های شاه اسماعیل صفوی و فتحعلی‌شاه قاجار در بین خطوط آن دیده می‌شود.

وسیع‌ترین اقدام بازسازی و توسعه حرم، در دوره قاجاریه توسط فرهادمیرزا معتمدالدوله عموی ناصرالدین‌شاه صورت گرفت. وی بنای قدیم را خراب کرد و خانه‌های مجاور حرم را خریداری نمود و به مساحت صحن افزود و دیوارهای آن را بلندتر از گذشته ساخت. او زمین صحن را سنگ‌فرش کرد و سرداب‌های آن را برای دفن اموات مهیا ساخت. علاوه بر این، فرهادمیرزا دو ساعت بزرگ و زیبا، یکی بر فراز ایوان داخلی سه درب جنوبی و یکی بر فراز ایوان درونی سه درب شرقی نصب نمود. درب چهارم رواق شرقی ایوان طلای ناصری به نام «باب المراد»، نیز با کنده‌کاری، نقره‌کاری و خطوط بسیار زیبا نصب شد. اقدامات فرهاد میرزا در حدود شش سال در کاظمین طول کشید و ۱۲۰ هزار لیره طلا یا ۳۴۰ هزار تومان هزینه داشت. ۶۲ در واقع صحن امروزی کاظمین که با حاشیه‌های

ص: ۵۵۷

اطراف آن ۲۶ هزار متر مربع است، از اقدامات فرهادمیرزا به شمار می‌آید.

صحن مطهر و مقدس کاظمین، امروزه در زمره صحن‌های بزرگ عتبات عالیات عراق است که طول آن ۳۷۰ و عرض آن ۳۵۰ متر است. حرم مطهر در داخل این صحن مستطیل‌شکل با طول ۲۳۰ و عرض ۱۵۰ متر قرار دارد. برای رسیدن به روضه منوره کاظمین و زیارت ضریح مطهر، باید از چهار رواق عبور کرد که تمامی آن تا نیمه از سنگ و بقیه تا سقف آیینکاری شده است. این رواق‌ها عبارتند از:

۶۱. محمد میلانی، راهنمای عتبات عالیات، ص ۱۳۳، مشهد: نشر محب، ۱۳۷۷.

۶۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۵۸۴، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷؛ حاج سیاح محلاتی، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، ص ۲۱۴، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۹؛ مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران: ص ۹۱ و ۹۲، انتشارات زوار، ۱۳۷۱.

۱. رواق «باب المراد» که به دلیل قرار گرفتن در بخش شرقی، به آن «رواق شرقی» هم می‌گویند. شیخ مفید و ابن قولویه از مجتهدان، محدثان و متکلمان شیعه در آن مدفون هستند.

۲. رواق «باب القریش» که در جنوب ضریح قرار دارد.

۳. رواق شمالی.

۴. رواق غربی که به دلیل دفن خواجه نصیرالدین طوسی به رواق خواجه نصیر شهرت دارد.

از این رواق‌های چهارگانه، شش درب به سمت ضریح مطهر باز می‌شود که همه از طلا و نقره است. این درب‌ها به لحاظ هنری بسیار زیبا و دارای کنده‌کاری‌های ظریف و خطوط عالی نستعلیق است. علاوه بر این، شش درب رواق‌ها از طریق هشت درب به صحن مرتبط می‌شود. صحن کاظمین در ابتدای دوره قاجار دارای سه درب اصلی بود که سردر آن با کاشی‌های مینیایی‌رنگ پوشیده شده و در زوایای آن، چهار گلدسته کاشی قرار داشت که قسمت بالای آن مطلا شده بود. علاوه بر این‌ها حرم یک مدرسه، کاروان‌سرا و حمام‌هایی داشت که برای استراحت و استفاده زائران ساخته شده بود. ۶۳ پس از اقدامات

ص: ۵۵۸

عمرانی عصر قاجاریه به ویژه فرهادمیرزا، حرم هفت درب داشت که پس از مدتی، علامه شهرستانی به عنوان نماد درب‌های بهشت که تعداد آن هشت عدد است، یک درب دیگر به آن افزود که تا امروز باقی است. این درب‌ها عبارتند از:

* درب رواق جنوبی که داخل چارچوب نقره‌ای قرار دارد و سیدمیرزا اصطهباناتی در سال ۱۲۸۳ قمری اهدا کرده است. خطوط کنده‌کاری شده آن به خط استاد میرزا محمدعلی طیب شیرازی است. در حاشیه هر لنگه این درب، کتیبه‌ای مزین به آیه‌های سوره مبارکه دهر و فجر به خط نستعلیق دیده می‌شود. ۶۴

* دومین درب رواق جنوبی دارای کنده‌کاری هنرمندانه و ظریفی است. روی این درب با خط بسیار زیبای ثلث، اسماء جلاله و نام مبارک امامان معصوم دیده می‌شود. این درب را عمادالدوله والی کرمانشاه در سال ۱۲۸۵ قمری وقف کرد. ۶۵

* سومین درب جنوبی را که از نقره است در سال ۱۳۹۹ قمری، حاج محمدعلی افضلی شوشتری وقف کرد و دارای کتیبه‌هایی از آیات اشعار با خط زیبای نستعلیق است. ۶۶

۶۳. مادام دیولافوا، سفرنامه دیولافوا، ترجمه همایون فره‌وشی، ص ۹۸۱-۶۷۹، تهران: انتشارات قصه پرداز، ۱۳۷۸.

۶۴. میرزا عباس فیض، تاریخ کاظمین و بغداد، ص ۱۹۷.

۶۵. همان، ص ۲۰۸-۲۰۳.

۶۶. همان، ص ۲۵۰-۲۴۹.

* چهارمین درب در رواق شرقی ایوان طلای ناصری قرار گرفته و به «باب المراد» معروف است و همان‌طور که گفته شد، فرهاد میرزا در تاریخ ۱۲۹۴ قمری وقف کرده است. ۶۷.

* پنجمین درب در رواق شرقی و نزدیک قبر شیخ مفید قرار دارد. واقف این درب که آیات قرآن و اشعار فارسی با خطی بسیار زیبا زینت‌بخش

ص: ۵۵۹

آن است، فردی به نام حاج محمدجواد تاجر بود که در سال ۱۳۱۴ قمری، آن را وقف نمود. ۶۸.

* ششمین و هفتمین درب در مجاورت قبر خواجه نصیر قرار دارد. تاریخ وقف این دو درب سال ۱۳۳۷ قمری ولی واقف آن نامعلوم است.

* هشتمین درب در رواق شمالی قرار دارد که دارای آیات قرآن، اشعار فارسی و عربی است که به خط بسیار زیبا کنده‌کاری شده و آن را به یک اثر نفیس هنری تبدیل کرده است حاج عبدالنبی تاجر کازرونی آن را در سال ۱۳۴۰ قمری، وقف کرد. ۶۹.

امروز حرم مطهر کاظمین ۱۴/۵۱۴ مترمربع مساحت دارد که با ساختمان‌ها و مناطق اطراف مربوط به حرم، به ۲۶ هزار مترمربع می‌رسد که مبنای طرح ساخت دوباره شاه‌اسماعیل و توسعه فرهاد میرزا حفظ‌شده است. اقدامات امروز بیش‌تر به نوسازی و نگهداری ساختمان‌های قدیم و تاریخی آن مربوط می‌شود؛ مثل طلاکاری دو گنبد توسط ستاد بازسازی عتبات عالیات ایران. در واقع می‌توان گفت علاوه بر تعلقات دینی و مذهبی ایرانیان به حرم مطهر، این مکان مقدس نمونه‌ای بسیار زیبا و مجلل از هنر معماری اسلامی ایران است.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، جلد ۹، ۱۵، ۱۶، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲. ابن فوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد، الحوادث الجامعه فی مائه السابعه، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.

ص: ۵۶۰

۳. اسکندربیگ منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح، محمد اسماعیل رضوانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۷.

۶۷. همان.

۶۸. همان.

۶۹. همان.

۴. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: کتابفروشی صدوق، بی تا.
۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، روزنامه خاطرات، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۶. امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم، فتوحات شاهی تاریخ صفوی از آغاز تا ۹۲۰ قمری، تصحیح و توضیح و تعلیقات از محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
۷. بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه: آذرتاش آذرنوش، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۲.
۹. جعفر بن ابن الحاج النقدی، تاریخ الامامین الکاظمین و روضتها الشریفه، بغداد: مکتبه العلمیه، دارالکتاب العراقیه، ۱۳۶۹ ق.
۱۰. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: داراحیا و التراث العربی، ۱۹۷۹ / ۱۳۹۹ ق.
۱۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، قاهره: مکتبه الخانجی، بی تا.
۱۲. خواجگی اصفهانی، محمدمعصوم، خلاصه السیر (تاریخ روزگار شاه صفی)، به کوشش، ایرج افشار، تهران انتشارات علمی، ۱۳۶۸.
۱۳. خواندمیر، غیاث‌الدین، تاریخ حبیب السیر، تصحیح و تعلیق زیر نظر دکتر دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۵۲.
۱۴. دوری، عبدالعزیز، تاریخ بغداد، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۵. دیولافوا، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه، همایون فره وش، تهران: انتشارات قصه‌پرداز، ۱۳۷۸.
۱۶. ذهبی، حافظ، العبر من خبر عنبر، بیروت: بی تا.
ص: ۵۶۱
۱۷. رازی قزوینی، ملاعبدالجلیل، بعض مثالب النواصی فی نقض بعض الفضایح الروافض، معروف به النقض، به تصحیح، میر جلال الدین محدث ارموی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
۱۸. شاملو، ولی قلی بن داوود قلی، قصص الخاقانی، تصحیح و پاورقی: سید حسین سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۹. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۵.
۲۰. شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۳۶۶ / ۱۴۰۷ ق.
۲۱. -، عیون اخبار الرضا، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.

۲۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، قم: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۲۳. شیرازی، عبدالله بن فضل‌الله، تاریخ و صاف، به قلم عبدالمحمدآیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، ترجمه، ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۴.
۲۵. فیض قمی، میرزا عباس، تاریخ کاظمین و بغداد، قم: ۱۳۲۷.
۲۶. قزوینی اصفهانی، محمدیوسف واله، ایران در زمان شاه صفی و شاه‌عباس دوم، حدیقه ششم و هفتم از روضه ششم خلد برین، تصحیح و توضیح و تعلیقات، محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. بی‌تا.
۲۷. قزوینی، ابوالحسن، فوایدالصفویه، به تصحیح و مقدمه مریم میر احمدی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۲۸. قزوینی، بودق منشی، جواهر الاخبار (بخش ایران از قراقوینلو تا سال ۹۸۴ ق)، مقدمه تصحیح و تعلیق محسن بهرام نژاد، تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.
۲۹. قمی، شیخ عباس، مفاتیح‌الجنان، ترجمه و تحقیق: سیدفضل‌الله میر شفیعی خوانساری، قم: انتشارت اسوه، ۱۳۹۰.
- ص: ۵۶۲
۳۰. محلاتی، حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح، به کوشش، حمید سیاح، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۹.
۳۱. مرعشی، میرسید ظهیر الدین، تاریخ طبرستان رویان و مازندران، به کوشش حسین تسبیحی، تهران: انتشارات شرق.
۳۲. میلانی، محمد، راهنمای عتبات عالیات، مشهد: نشر محب، ۱۳۷۷.
۳۳. ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه ناصر الدین شاه به عتبات (شهریار جاده‌ها) به کوشش، محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
۳۴. یعقوبی، احمد بن یعقوب، البلدان، ترجمه، محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۷۰.۱۳۵۶.
- ص: ۵۶۳